

# انسان از آغاز تا انجام

علامه سید محمد حسین طباطبائی

ترجمه و تعلیقات: صادق لاریجانی

به کوشش سید هادی خسروشاهی

## فهرست

۱۳ ..... مقدمه

### رسالة انسان قبل از دنيا

#### «اولين رساله از كتاب انسان»

۱۹ ..... فصل ۱: انسان در عوالم سه گانه وجود: ماده، مثال، عقل

۲۰ ..... فصل ۲: اثبات عالم امر

۲۱ ..... تدریجی بودن عالم خلق و دفعی بودن عالم امر

۲۱ ..... متفرع بودن عالم خلق بر عالم امر

۲۲ ..... معنای تدبیر در عالم امر

۲۳ ..... در مراتب امر

۲۴ ..... طهارت و قدس موجودات عالم امر

۲۶ ..... اثبات طهارت و قدس موجودات عالم امر به طریقی دیگر

۲۶ ..... اشاره مجدد به خصوصیات عالم امر

۲۸ ..... روح از عالم امر است

۳۰ ..... در اتحاد روح با بدن

- ۳۱ ..... اولین امتیاز میان روح و ملائکه
- ۳۱ ..... در بیان سعادت و شقاوت
- ۳۳ ..... امتیاز دوم میان ملائکه و روح
- ۳۴ ..... در بیان تعداد ارواح و مراتب آن
- ۳۴ ..... روح ایمان
- ۳۴ ..... روح قدس
- ۳۵ ..... سیطره روح بر ملائکه
- ۳۶ ..... روایات ارواح پنج‌گانه
- ۳۸ ..... امتیاز سوم ملائکه از روح
- ۳۹ ..... خاتمه: در بعضی از مباحث مربوط به تحقیقات گذشته
- ۳۹ ..... در گفت‌وگوی ملائکه در خلافت انسان
- ۴۰ ..... در بیان اسماء
- ۴۲ ..... در بیان امر مکتوم
- ۴۳ ..... در معنای عصیان آدم
- ۴۴ ..... در کیفیت هبوط
- ۴۷ ..... در معنای عرض امانت بر انسان

### رسالة انسان در دنیا

#### «دومین رساله از کتاب انسان»

- ۴۹ ..... فصل ۱: معانی حقیقی و معانی اعتباری
- ۵۰ ..... معانی اعتباری از معانی حقیقی گرفته می‌شود
- ۵۱ ..... تعریف نظام جزئی و نظام کلی
- ۵۲ ..... در کیفیت لحوق عوارض به ذات



۵۳	اعتبار باید و وجوب
۵۴	اشاره مختصر به منشأ بعضی اعتبارات دیگر
۵۷	فصل ۲: اشاره اجمالی به هدایت عمومی
۵۷	رجوع انسان به اسفل سافلین: دنیا
۵۹	لهر و لعب بودن حیات دنیوی
۶۰	زینت بودن امور دنیا
۶۱	احتمالی دیگر در معنای آیه
۶۳	کلامی از امیرالمؤمنین <small>علیه السلام</small> در نهج البلاغه

### رساله انسان بعد از دنیا

#### «سومین رساله از کتاب انسان»

۶۷	اشاره به موضوع و روش بحث
۶۸	فصل ۱: «موت» و «اجل»
۶۹	مرگ انعدام نیست بلکه انتقالی است از دنیایی به دنیای دیگر
۷۲	آنچه با موت منتقل می شود، همانا روح است
۷۳	توفی کننده، خدا یا ملک الموت و یا دستیاران او هستند
۷۶	با موت، حقیقت امر بر انسان آشکار می گردد
۷۸	بشارت سعادت و شقاوت بعد از موت
۷۹	ولایت و بشارت سعادت در دنیا
۸۱	روایات مربوط به موت
۸۴	فصل ۲: برزخ
۸۷	تجسس عمل
۹۲	از «متوسطین» مؤاخذه به عمل نمی آید

- ۹۳..... تجسم ارواح در برزخ
- ۹۴..... دیدار مردگان با خانواده‌هاشان
- ۹۵..... مصاحبت شیطان با دوستانش در قبر
- ۹۷..... فصل سوم: نفخ صور
- ۱۰۱..... کسانی که از حکم نفخ صور، استثنا شده‌اند
- ۱۰۶..... معنای این که قیامت بعد از دنیاست
- ۱۰۶..... آیاتی که بر احوال قیامت دلالت می‌کند
- ۱۰۸..... فصل ۴: صفات روز قیامت
- ۱۱۱..... بطلان اسباب در روز قیامت
- ۱۱۲..... برطرف شدن حجاب‌ها و آشکار گشتن پنهان‌ها در روز قیامت
- ۱۱۴..... «قیامت» محیط است بر دنیا و برزخ
- ۱۱۶..... ظهور خداوند سبحان در آن روز
- ۱۱۷..... برطرف شدن ظلمت در روز قیامت
- ۱۱۹..... فصل ۵: برانگیخته شدن انسان برای قضاوت قاطعانه
- ۱۲۲..... سیر ارواح به سوی پروردگار
- ۱۲۳..... فصل ۶: صراط
- ۱۲۷..... فصل ۷: میزان
- ۱۳۰..... فصل ۸: نامه اعمال
- ۱۳۰..... نامه اعمال متضمن خود اعمال و حقایق آنها است
- ۱۳۳..... ضبط آثار و نتایج اعمال
- ۱۳۴..... دریافت سعادت‌مندانه یا شقاوت‌مندانه نامه اعمال
- ۱۳۶..... خلاصه کلام در تفسیر «یمین» و «شمال»
- ۱۳۸..... امام حق محیط بر همه است

۱۴۰	.....	استثنای مخلصین از ایفاء کتاب
۱۴۱	.....	فرق بین «کتاب» و «طائر»
۱۴۱	.....	فصل ۹: شهدا در روز رستاخیز
۱۴۲	.....	حقیقت شهادت
۱۴۳	.....	عرضه اعمال بر پیامبر و اولیای خاص
۱۴۵	.....	گروه‌های مختلف شهدا، انبیا و صالحین شاهدند
۱۴۶	.....	رسول الله ﷺ شاهد شاهدان است
۱۵۰	.....	گروه دیگر از شهدا: ملانکه
۱۵۱	.....	اعضا و جوارح انسان شاهدند
۱۵۳	.....	کمالات مربوط به وسائط، عین کمالات حق است
۱۵۴	.....	سریان حیات در همه موجودات
۱۵۵	.....	ذکر باره‌ای از روایات در شهادت اعضا
۱۵۶	.....	شهادت زمان‌ها و مکان‌ها
۱۵۷	.....	برهانی در مورد شهادت شاهدان
۱۵۸	.....	فصل ۱۰: در حساب
۱۵۸	.....	معنای حساب در عالم واقع
۱۶۰	.....	مقایسه‌ای بین حساب و رزق
۱۶۱	.....	در معنای صعوبت و سهولت حساب
۱۶۴	.....	رابطه سؤال و حساب
۱۶۵	.....	در عمومیت سؤال و حساب
۱۶۷	.....	فصل ۱۱: در جزا
۱۶۸	.....	رابطه فعل و جزا
۱۶۹	.....	پاداش مؤمنان و جزای کافران



- ۱۷۲ ..... حشر انسان با عمل خویش
- ۱۷۳ ..... فصل ۱۲: در شفاعت
- ۱۷۵ ..... شفاعت و طهارت ذاتی شافع
- ۱۷۶ ..... شفاعت و مرضی بودن مشفوع
- ۱۷۷ ..... بیان حقیقت شفاعت
- ۱۷۹ ..... ارتباط شفاعت و اذن
- ۱۸۰ ..... رسول الله ﷺ شافع شافعان
- ۱۸۱ ..... رسول الله ﷺ و مقام محمود
- ۱۸۲ ..... شفاعت رسول الله ﷺ در روایات
- ۱۸۳ ..... در بیان شفاعت کنندگان (شافعین)
- ۱۸۳ ..... شفاعت ملائکه
- ۱۸۴ ..... شفاعت مؤمنین
- ۱۸۴ ..... شفاعت قرآن، امانت و رحم
- ۱۸۷ ..... شفاعت اعمال صالح
- ۱۸۷ ..... فصل ۱۳: در اعراف
- ۱۸۷ ..... در معنای حجاب
- ۱۸۸ ..... اختلاف سعادت‌مندان و شقاوت‌مندان در دید است
- ۱۹۰ ..... اصحاب اعراف بر بهشت و دوزخ مسلطند
- ۱۹۱ ..... اشاره به اصحاب اعراف در بعضی آیات دیگر
- ۱۹۳ ..... روایات مربوط به اعراف
- ۱۹۵ ..... اشاره به استفاده موقف اعراف از برهان
- ۱۹۶ ..... فصل ۱۴: در بهشت
- ۱۹۶ ..... رابطه بین زمین و بهشت

۱۹۹	.....	زدودن هرگونه کدورت از بهشتیان
۱۹۹	.....	نفی هرگونه خوف و حزن از بهشتیان
۲۰۰	.....	مقامی والاتر برای بهشتیان
۲۰۲	.....	نکته‌ای دیگر در آیه شریفه
۲۰۲	.....	نکاتی ارزش مند پیرامون رحمت الهی
۲۰۳	.....	فصل ۱۵: در دوزخ
۲۰۴	.....	نکته‌ای در رحمت واسعه
۲۰۵	.....	ارتباط دوزخ و حیات دنیوی
۲۰۷	.....	فصل ۱۶: در عمومیت معاد
۲۰۸	.....	حشر حیوانات و موجودات زنده
۲۱۰	.....	آیات مشعر به رستاخیز موجودات غیر ذی روح
۲۱۱	.....	ملازمه بین رستاخیز و حیات و علم
۲۱۲	.....	اشاره به رستاخیز موجوداتی که وراء آسمان‌ها و زمینند
۲۱۲	.....	رستاخیز مخلصون
۲۱۳	.....	خاتمه
۲۱۵	.....	تعلیقات و توضیحات مترجم
۳۴۳	.....	نمایه



## مقدمه

بسم الله الرحمن الرحيم

و الصلاة والسلام على محمد و آله الطاهرين.

۱. اثر حاضر ترجمه‌ای است از کتاب انسان به قلم فیلسوف و مفسر بزرگ قرآن علامه فقیه سید محمد حسین طباطبائی رحمته الله علیه.

کتاب انسان خود مشتمل بر سه رساله کوچک تر است:

۱. انسان قبل الدنيا،

۲. الانسان في الدنيا،

۳. الانسان بعد الدنيا.

این رساله سوم که از حیات پس از مرگ بحث می‌کند، از همه مفصل تر است. این سه رساله من حیث المجموع مکتوبی است بسیار نفیس و در حقیقت دریایی است مالا مال از گوهرهای معارف قرآنی. اندیشه بلند حضرت علامه رحمته الله علیه، در این حرکت فکری لطایف قرآنی بسیاری از خود به جای گذاشته که هر یک به نوبه خود افکار ناب دیگری را می‌طلبد. «تفسیر قرآن با قرآن» هم اصلی ایشان در این رساله هاست. این شیوه تفسیری گاه معانی بدیع و جالبی برای آیات قرآنی می‌یابد، معانی‌ای که در عین بلندی، از حدود ظواهر آن تجاوز نمی‌کند و در واقع مشکل اصلی در تفسیر نیز همین است که معانی تفسیری، من عندی نبوده و از بطن قرآن جوشیده باشد و همین

اعضال و اشکال است که تفسیر بزرگ المیزان و نیز این رسائل مختصر را ارزش مند می‌سازد. بسیاری از مفسران، مباحث دقیق عقلی یا معارف تجربی را به قرآن نسبت می‌دهند در حالی که از ظواهر آن بسیار به دور است و بنابراین، هیچ حجتی در انتساب آن به قرآن ندارند. البته این بدان معنا نیست که مباحث دقیق عقلی و فلسفی یا تجربی به کار فهم قرآن نمی‌آید، بلکه باید گفت، در بسیاری از موارد در فهم ظواهر قرآنی دخیل است. به عنوان مثال، گاه تأملات عقلانی با اثبات امکان مطلبی از قول به مجاز در آن کلام مانع می‌شوند؛ در این آیه شریفه «هُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ» مباحث دقیق عقلی معنایی بس زیبا برای آن ترسیم می‌کنند که در واقع موجب بقای آن به همان ظهور خویش و اثبات معیت به حق با همه موجودات است و نظایر این موارد هم کم نیست. دخالت معرفت‌های عقلی و تجربی در فهم قرآن - و روایات - خود مسئله زنده و پرجوانبی است که تنقیح آن محتاج به عنوان مستقلی است و غرض در این جا فقط اشاره به این نکته بود که یکی از مشخصات اصلی رسائل فعلی، تفسیر قرآن با قرآن است و در عین حال این مطلب منافاتی با به کار گرفتن معرفت‌های عقلی ندارد، که این حقیقت با پیش‌روی در متن کتاب کاملاً روشن خواهد شد.

۲. سبک مرحوم علامه در این رسائل، سبک خاصی است. بنای اصلی هر سه رساله بر اختصار و ایجاز تام است. لذا گاه دیده می‌شود که تقریب بسیاری از مطالب و نحوه استفاده‌های قرآنی به عهده خواننده گذاشته می‌شود. این سبک به وضوح دقت و صبر بیشتری را می‌طلبد و نمی‌توان آن را با بسیاری کتاب‌های دیگر در این زمینه قیاس کرد.

مترجم گرچه به قصور خود در کار ترجمه مذعن است و لکن انصاف باید داد که دشواری این ترجمه نه به این جهت راجع است، که عمدتاً ناشی از سبک خاص مصنف آن است. حق آن است که در بعضی موارد ایجاز به حدی است که باید آن را مغل دانست. مترجم که در حد بضاعت خود به جست‌وجو از فهم مطالب کتاب

و تحلیل مضامین آن برآمده بود، اگر می‌خواست آنچه را که دخیل در فهم عبارات کتاب می‌داند به متن بیفزاید، متن حاضر از صورت ترجمه خارج می‌شد و استناد آن به مصنف کتاب دشوار. لذا مترجم تصمیم بر آن گرفت که در حدّ وسیع توضیحاتی را به صورت تعلیقه به متن بیفزاید، تا شاید بعضی را ممدّی باشد و در بعضی موارد هم که انتقاداتی به ذهن قاصر وی رسیده بود، در تعلیقات متذکر شد و حاصل همان است که به محضر خوانندگان ارج‌مند تقدیم می‌شود.

۳. در کتابی هم‌چون رسائل حاضر که مشتمل بر آیات و روایات بسیار است، بدیهی است که باید ترجمه آیات و روایت آورده شود. و از طرفی گمان می‌رفت که آوردن متن و ترجمه با هم تاحدّی مملّ باشد، لذا در مورد روایات، به صرف آوردن ترجمه بسنده شد و متن اصلی روایات را همه به تعلیقات محوّل ساختیم (و از آوردن متن چند روایت مفصل هم خودداری کردیم). در مورد آیات، کار را عکس نموده، آیات را در متن و ترجمه را در پاورقی قرار دادیم. ترجمه آیات عمدتاً برگرفته از ترجمه مرحوم الهی قمشه‌ای است، مگر در چند مورد که به تناسب متن در آن تغییری صورت گرفت.

۴. یکی از مشکلات متن عربی کتاب، عدم ذکر مراجع روایات و نشانی آیات است. برای کتابی که مشحون از آیات و روایات مختلفه است، این جهت فی الواقع نوعی نقص است. مترجم بعد از اتمام ترجمه به فکر جبران این نقیصه برآمد. در مورد آیات، با وجود معجم‌های قرآنی مختلف این مشکل مرتفع بود و لذا کار به سرعت انجام گرفت.

اما یافتن مراجع روایات، با توجه به کثرتشان، وقت و صبر بیشتری طلب می‌کرد. سبک مرحوم علامه در ذکر روایات این است که فقط به ذکر نام کتابی که روایت مورد نظر از آن اخذ شده، بسنده می‌کنند، مثلاً و فی تفسیر القمّی و فی العلل... و هكذا. در بسیاری از موارد به قرائن آیات مورد بحث، حدس به توفیق مشفوع می‌شد



و مشکل حل می‌گشت. اما در مواردی هم حدیث بسیار دیرپاب بود. گاه شده است که مترجم برای یافتن روایتی، کل تفسیر قمتی را چندین بار توزق کرده است و همین طور علل الشرایع شیخ صدوق یا محاسن برقی را. در مواردی هم در نهایت روایت را در مأخذ ذکر شده نیافتیم و به ذکر نشانی آن در کتاب‌های دیگر روایی اکتفا کردیم. فی المجموع گمان می‌رود که این زحمات به هدر نرفته و آن کمبود یاد شده تا حدود زیادی مرتفع شده است.

۵. از اشکالات دیگر متن عربی کتاب، فقدان عناوین مناسب است. به جز چند سرفصل کلی، تقریباً هیچ عنوان دیگری در متن کتاب مذکور نبود. در حالی که مطالب مورد بحث نسبتاً متعدد، و نکات پراکنده در آن بسیار به چشم می‌خورد. لذا مترجم به تناسب، عناوینی را برای متن برگزیده است، تا هم یک‌دستی ممل کتاب بر طرف شود و هم مطالب آن سریع‌تر قابل دست‌یابی باشد.

۶. ترجمه نیمی از رساله سوم (هفت فصل اول) چندین سال قبل، توسط این جانب صورت گرفته بود که در یادنامه شهید مرتضی مطهری رحمته‌الله با عنوان «حیات پس از مرگ» به چاپ رسید. دو فصل دیگر آن (فصل ۸ و ۹) نیز توسط فاضل بزرگوار حجة الاسلام آقای سید مهدی نبوی به انجام رسیده بود. ترجمه این جانب به خاطر تعجیلی که از ناحیه دست‌اندرکاران یادنامه اعمال می‌شد، تا حدی نامطلوب بود. به ویژه آن‌که اغلاط بسیار در چاپ آن راه یافته و در چند مورد هم ترجمه ناقص یا نادرست بود. در این چاپ، ترجمه مذکور کلاً بازبینی شد و اصلاحات فراوانی از حیث عبارات در آن صورت گرفت و نواقص آن در حد مقدور برطرف شد و با کسب اجازه از محضر آقای نبوی، در ترجمه ایشان هم به تناسب اصلاحاتی به عمل آمد تا ترجمه تاحدی یک‌دست شود.

۷. مترجم با اذعان به قلت بضاعت خویش، خشنود است که در کار ترجمه از هیچ کوششی فروگذار نکرده و آنچه در توان داشته در مطابقت ترجمه با متن و تسهیل فهم

مطالب و یافتن مراجع روایات، اعمال نموده است و این چیزی است که صادقانه می‌تواند ادعا کند. لذا امیدوار است که خطایی به ترجمه راه نیافته باشد. در عین حال عصمت فقط از آن خدا و بندگان خاص اوست «و السهو و النسیان کالطبیعة الثانية للإنسان». از این جهت از خوانندگان گرامی انتظار می‌رود که اگر به خطا یا نقصانی در این اثر برخوردند، مترجم را مرهون الطاف خود قرار داده، اصلاحات و پیشنهادات خویش را از طریق ناشر مطرح سازند، تا در صورت لزوم در چاپ‌های بعدی ملحوظ گردد.

۸. در خاتمه، بر خود فرض می‌دانم از همه کسانی که به نحوی راقم این سطور را در صورت بخشیدن به این اثر، یاری رسانده‌اند، تشکر کنم، خصوصاً حضرت آیه‌الله جوادی آملی که با بزرگواری خاص خویش، بر این جانب منت نهاده و در فهم بعضی مغلفات کتاب، اعانت فرمودند. در عین حال تأکیدی لازم نیست که ساحت ایشان از هرگونه خطای احتمالی این اثر، بری است.

فاضل محترم جناب آقای شیروانی نیز که نام ترجمه را پیشنهاد نموده‌اند و در پاره‌ای از تعلیقات هم نکاتی را متذکر شده‌اند، این جانب را مرهون الطاف خویش داشته‌اند سعیشان مشکور.

از خداوند متعال می‌خواهیم که اعمال ما را خالصاً لوجهه، گرداند و از آنچه در این ایام ساخته‌ایم، توشه سفری همراه نماید و ذخیره عقابیی عنایت فرماید که از «هَبَاءَ مَسْئُورًا» شدن اعمال سخت بیمناکیم و به چیزی جز شفاعت اولیای کرامش: محمد و آل او علیهم‌السلام، آمیدی نبسته‌ایم.

من الله التوفيق وعليه التكلان

۶۹/۹/۱۵

۱۷ جمادی الاولی ۱۴۱۱

صادق لاریجانی